

نگاهی به نشست عمومی سازمان ملل پیرامون وضعیت کودکان

آرش کمانگر arash@funtrivia.com

طی روزهای ۸ تا ۱۰ مه اجلاس ویژه سازمان ملل برای بررسی مساله کودکان در مقر مرکزی این سازمان واقع در نیویورک برگزار شد، در این مجمع رسمی رهبران و وزرای بیش از ۶۰ کشور جهان حضور داشتند. علاوه بر آنها به حدود ۳۶۰۰ تن از نمایندگان و فعالین نهادهای غیر دولتی (NGO) نیز اجازه داده شد که در نشست و یا مباحثات حاشیه ای آن شرکت ورزند. به علاوه برای اولین بار به شماری از کودکان نیز - که از کشورهای مختلف آمده بودند - اجازه شرکت و سخنرانی دادند. این کودکان با زبانی ساده، اما تکان دهنده، ابعاد فجایعی را که بر میلیون ها کودک سیاره ما روا داشته می شود را بازگو کردند به این امید که دولت های عضو سازمان ملل و نهادهای بین المللی توجه بیشتری به حقوق این آینده سازمان معطوف دارند.

کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل در مراسم گشایش این مجمع عمومی ویژه، طی سخنانی گفت که بحث پیرامون وضعیت کودکان، بحث درباره آینده بشریت است. وی ماه پیش نیز طی گزارشی، آمارهای تکان دهنده ای در زمینه شرایط زندگی کودکان در جهان سوم منتشر نموده بود که به روشنی نشان می داد که علیرغم گذشت بیش از یک دهه از تصویب «کنوانسیون بین المللی حقوق کودک» و امضای صوری آن توسط بسیاری از دولت ها، جهان ما هنوز فرسنگ ها با ایده تامین یک زندگی انسانی برای کودکان فاصله دارد. آقای عنان در آن گزارش از جمله خاطر نشان نموده بود که در حال حاضر دست کم ۲۵۰ میلیون کودک در کشورهای مختلف به دلیل فقر خانوادگی ناگزیر از کار کردن هستند، یعنی به جای آموزش، بازی و لذت بردن از دوران شیرین کودکی، ناگزیرند تن رنجور خود را به استثمار بسپارند. در آن گزارش از جمله آمده بود که از هر صد کودک متولد شده در جهان، تولد چهل کودک اصلا به ثبت نمی رسد، ۱۷ کودک اصلا به مدرسه راه پیدا نمی کنند، و ۲۶ کودک در مقابل هیچ بیماری واکسینه نمی شوند. به علاوه از هر صد کودک در جهان، ۱۹ نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و سی کودک از سوتغذیه رنج می برند. به همین خاطر دبیر کل سازمان ملل اعتراف نموده که ۱۲ سال پس از تصویب «عهدنامه بین المللی حقوق کودک»، «جهان نتوانسته به مهمترین اهداف تعیین شده در اجلاس بین المللی قبلی (در سال ۱۹۹۰) جامه عمل بپوشاند». یکی از دلایل این شکست، جدا از اولویت های سودپرستانه نظام سرمایه داری، مقاومت رژیم های ارتجاعی، مذهبی و محافظه کار می باشد که هنوز است ابتدایی ترین حقوق کودکان را انکار می کنند و یا آن چارقد تفکران عقب مانده خود جای می دهند. به همین خاطر در اجلاس سه روزه اخیر، این دولت ها عمدتا شامل: ایالات متحده، کشورهای اسلامی و دولت های وفادار به اصول کاتولیک می شد، کارشکنی گسترده ای برای جلوگیری از تصویب برخی بندها نظیر: حقوق مستقل کودکان جدا از تمایلات والدین آنها، ضرورت آموزش جنسی کودکان در مدارس، ارایه خدمات رایگان بهداشتی به نوجوانانی که دچار حاملگی ناخواسته می شوند و از جمله پذیرش حق سقط جنین و بالاخره ممنوعیت اعدام کودکان زیر ۱۸ سال به راه انداختند. به همین خاطر برخی از کشورها و از جمله اکثریت نهادهای غیردولتی و نیز کودکان شرکت کننده در اجلاس، اعلامیه نهایی مجمع عمومی را در قیاس با کنوانسیون ۱۹۹۰ یک عقب گرد می دانند و برخی از آنها از شکست این نشست سخن می گویند.

در این اجلاس دولت محافظه کار جورج بوش - که شدیداً تحت تاثیر سنت های عقب مانده مسیحی است - دست در دست رژیم های اسلامی، تلاش مشترک شماری از کشورهای اروپا، آمریکای لاتین و آفریقایی را که خواهان آموزش و امدادهای پزشکی برای پیشگیری از بارداری ناخواسته نوجوانان و فراهم آوردن تسهیلات سقط جنین بودند را با ناکامی مواجه سازد. آمریکا به همراه واتیکان و رژیم های اسلامی خواستار آن بودند که برنامه های آموزشی برخورداری از روابط جنسی در سنین نوجوانی تاکید کند. نماینده آمریکا در این اجلاس گفت «پیشنهاد ما برای حل این مشکل، نداشتن رابطه جنسی است و هر آموزش دیگری در زمینه مسایل جنسی نسبت به این مساله جنبه ثانوی دارد». دکتر محمد رشید وزیر آموزش و پرورش و نماینده عربستان نیز در اجلاس، در سخنان خود گفت «سقط جنین به منزله قتل با طرح قبلی است». این را نماینده رژیمی می گوید که در قتل و شکنجه آفاق است. رژیمی متعلق به عصر شترچرانی که در زمینه اجرای مجازات اعدام، مقام چهارم را در جهان دارد و در زمینه دست بردن و گردن زدن مجرمین عادی و فقرای یکه دست به سرقت و ... می زند، رتبه اول را در ید اختیار خود گرفته است!!

تا پایان اجلاس و پس از رایزنی های فراوان با سازش اتحادیه اروپا با آمریکا، دو مصالحه جدی در متن نهایی صورت گرفت. نخست اینکه به دلیل مخالفت کشورهای چپ آمریکا و سوماتالی با آوردن بند ممنوعیت اعدام کودکان زیر ۱۸ سال، این بند بدنی صورت تغییر کرد که ممنوعیت اعدام نوجوانان فقط شامل کشورهایی می شود که این اعلامیه را امضا کنند. دوم اینکه اصطلاح «تامین مراقبت های باروری» به جای «تامین خدمات باروری» به کار رفته است.

قابل تذکر است که نماینده دولت آمریکا در این اجلاس حتی با آوردن اصطلاح «حقوق کودک» نیز مخالف بود چون به اعتقاد جناح محافظه کار حزب حجمپوری خواه، اشاره به حقوق کودک به منزله تضعیف نقش والدین در خانواده است.

یکی دیگر از نکات کلیدی مربوط به تامین رفاه کودکان که در این اجلاس با آن مخالفت شد همانا ضرورت تعهد دولت ها به اختصاص ۰/۷ درصد (هفت دهم درصد) از تولید ناخالص ملی کشورهای ثروتمند به امور رفاه کودکان جهان بود. در حال حاضر تنها کشورهای دانمارک، لوکزامبورگ، هلند، نروژ و سوئد این مهم را متحقق نموده اند. کشورهای بلژیک و ایرلند نیز قول داده اند که به زودی آن حد از بودجه را به امور رفاهی و برنامه های کودک سازمان ملل اختصاص دهند. «هیلده جانسون» وزیر توسعه بین المللی نروژ و نماینده این کشور در اجلاس طی سخنانی ضمن اعلام این مسایل که رقم مذکور را دولت متبوعه او به زودی به یک درصد افزایش خواهد داد پینشهاد کرد که نوعی Q7 از بزرگ ترین حامیان مالی کودکان جهان تشکیل شود تا ضمن نظارت بر حسن اجرای این پروژه، کشورهای بیشتری را تشویق کند که حداقل بین نیم تا یک درصد از تولید ناخالص ملی خود را به

برنامه‌های بین‌المللی کمک به کودکان اختصاص دهند. هدفی که به نظر نمی‌رسد بسیاری از کشورهای پیشرفته و غارتگر سرمایه‌داری نظیر آمریکا، انگلیس، ژاپن، ایتالیا و ... مایل به تحقق آن باشند. منافع این دولت‌ها و کمپانی‌های غول پیکرشان ایجاب می‌کند که کماکان میلیاردها انسان در زیر خط فقر به سر برند تا بتوان از طریق بهره‌کشی وحشیانه از نیروی کار آنها، سودهای نجومی خود را حفظ کنند. اشتغال ۲۵۰ میلیون کودک در جهان و محرومیت آنها از ابتدایی‌ترین نعمات زندگی نیز بخشی از این بی‌حقوقی نهادینه شده است که بدون آن ثروت‌های ده‌ها و صدها میلیارد دلاری اختاپوس‌های مالی صنعتی امکان‌ناپذیر می‌باشد. به همین خاطر و نقش کلیدی مهم‌ترین دولت سرمایه در جهان یعنی آمریکا در جلوگیری از موفقیت اجلاس سه روزه اخیر سازمان ملل بود که ائتلافی متشکل از صد نهاد و سازمان غیردولتی مرتبط با مسایل کودکان به نام Child Right Caucus طی نامه سرگشاده‌ای به «تامی تامپسون» وزیر بهداشت و خدمات انسانی آمریکا و رییس هیات نمایندگی این کشور در اجلاس اخیر، به شدت موضع محافظه کارانه آمریکا را به‌عنوان سردمدار رژیم‌های ارتجاعی مورد حمله قرار داد. پایه‌ای از نهادهای عضو این ائتلاف، آمریکایی می‌باشند.

خانم «مری دیاز» از کمیته نهادهای غیردولتی سازمان یونسف ضمن انتقاد از نتایج نشست، مانع‌تراشی برسر راه دخالت نمایندگان غیردولتی در هنگام رایزنی‌ها و مذاکرات برسر متن نهایی را مورد انتقاد قرار داد. گروه کشورهای «مشتک الفکر» LMG که از کانادا، استرالیا، کرواسی، ایسلند، لیختن‌اشتاین، نیوزیلند، نروژ، سان مارینو، اسلواکی و سوایزلند تشکیل می‌شد، پروسه رایزنی و لابی‌گری را مورد انتقاد قرار دادند و معتقد بودند از طریق مذاکرات موثرتر می‌شد سند بهتری تهیه کرد. به هر رو سند نهایی، توافقنامه‌ای مبنی بر اجرای چهار الویت اساسی در زمینه حقوق و مسایل کودکان به تصویب رساند که بایستی توسط دولت‌ها و کشورها، طی یک‌دهه آتی به تدریج تحقق پیدا کنند. این چهار الویت عبارتند از ۱. تامین سلامت و بهداشت کودکان ۲. تامین امکانات آموزشی مناسب ۳. حفاظت از کودکان در برابر آزار و خشونت ۴. مبارزه با ویروس HIV و بیماری ایدز.

در هر رابطه با هریک از این الویت‌های چهارگانه نیز بندها یا قراردادهایی به تصویب رسیده است که پاره‌ای از آنها عبارتند از:

- * در زمینه بهداشت
- ۱. کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر پنج سال به حداقل یک سوم. این میزان باید تا سال ۲۰۱۵ به دو سوم برسد.
- ۲. کاهش مرگ و میر ناشی از زایمان به یک سوم. این میزان تا سال ۲۰۱۵ باید به سه چهارم برسد.
- ۳. کاهش میزان سوءتغذیه کودکان زیر پنج سال به یک سوم و توجه ویژه به تغذیه کودکان زیر دو سال. به علاوه میزان کم وزنی نوزادان باید حداقل به یک سوم نرخ کنونی کاهش داده شود.
- ۴. کاهش میزان عدم دسترسی خانوارها به امکانات اولیه زندگی نظیر: روشنایی، سوخت و آب آشامیدنی سالم به میزان یک سوم.

* در زمینه آموزش:

- ۱. گسترش و تامین امکانات آموزش ابتدایی برای کلیه پسران و دختران
- ۲. کاهش میزان کودکی که به مدرسه نمی‌روند به اندازه پنجاه درصد، تا سال ۲۰۱۰ میزان کودکان مدرسه رو باید به ۹۰ درصد کل کودکان برسد.
- ۳. پایان دادن به نابرابری جنسی میان دختران و پسران در زمینه آموزش ابتدایی و متوسطه تا سال ۲۰۰۵. این نابرابری در تمام مراحل آموزشی باید تا سال ۲۰۱۵ محو شده باشند.
- ۴. افزایش مطالب و مسایل مربوط به بزرگسالان در کتب درسی به ویژه برای زنان. این میزان تا سال ۲۰۱۵ باید به اندازه ۵۰ درصد افزایش یابد.

* حفاظت از کودکان در برابر آزار و خشونت:

- ۱. حمایت از کودکان در برابر تمامی اشکال آزار، تنبیه و خشونت
- ۲. حمایت از کودکان در منازعات جنگی و نبردهای مسلحانه و اطمینان از رعایت کامل حقوق بشر در مورد آنها و دسترسی ایشان به کمک‌های انسان دوستانه بین‌المللی
- ۳. اقدام فوری و موثر برای محو پدیده اشتغال کودکان در کارهای زیانبار و سخت بر مبنای بند ۱۸۲ کنوانسیون سازمان جهانی کار. همچنین تدوین استراتژی لازم توسط کشورهای که استاندارد جهانی کار را پذیرفتند برای محو کامل هر نوع اشتغال کودک.

* در زمینه مبارزه با بیماری ایدز

- ۱. کاهش ابتلای جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ویروس ایدز به میزان ۲۵ درصد تا سال ۲۰۰۵ در کشورهایی که این بیماری در آنها بیدار می‌کند. این میزان تا سال ۲۰۱۰ باید در مقیاس جهانی نیز ۲۵ درصد کاهش یابد.
- ۲. تا سال ۲۰۰۵ میزان سرایت ویروس مذکور به نوزادان باید به میزان ۲۰ درصد کاهش یابد. میزان این کاهش تا سال ۲۰۱۰ باید به پنجاه درصد برسد. به علاوه درصد زنان حامله نیز باید از خدمات آموزشی، بهداشتی و مشاوره در مورد خطرات این بیماری برخوردار شوند.

* * *

چنانچه مشاهده می‌کنید علی‌رغم اینکه در زمینه تصویب برخی بندهای مهم، مانع‌تراشی‌های فراوانی صورت گرفته، با این همه دولت‌های عضو بروی کاغذ هم که شده اقدامات مهمی را در زمینه چهار اولویت فوق‌الذکر به تصویب رسانده‌اند. اما نکته مهم این است که اولاً چه ضمانت اجرایی برای تحقق مفاد این سند توسط دولت‌ها وجود دارد؟ مثلاً جمهوری اسلامی چندسالی است که عهدنامه بین‌المللی حقوق کودک را به تصویب رسانده است، با این همه وضعیت کودکان زیر ۱۸ ساله در تماماً حوزه‌های سیاسی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی وخیم‌تر شده است. به طوری که فقط در تهران به نوشته روزنامه همشهری، حداقل ۲۰ هزار کودک خیابانی «زندگی» می‌کنند و در سراسر ایران بیش از یک میلیون کودک (حتی برخلاف قانون کار خود رژیم) «شاغل» هستند. ثانیاً بسیاری از کشورهای جهان سوم بخصوص در آفریقا، از لحاظ اقتصادی توانایی تحقق این اهداف را ندارند. مگر این که

بدهی‌های آنها بخشوده شود، از ابعاد چپاول و غارت آنها توسط کشورهای امپریالیستی کاسته شود و نهادها و دولت‌های ثروتمند، سرکیسه را برای تامین حداقل نیازهای انسانی این مردم شل کنند!! اما چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد زیرا دنیای ثروت، بدون دنیای فقر و محنت معنا ندارد، از این رو خام خیالی خواهد بود هرگاه فکر می‌کنیم بدون به چالش طلبیدن نظام و دولت‌های سرمایه داری، می‌توان آینده و زندگی مرفه و انسانی را برای انبوه میلیونی کودکان سیاره ما فراهم کرد. پس در جهان کنونی، کسی که می‌خواهد جانانه از حقوق کودکان دفاع کند، نمی‌تواند به اندیشه برابری و عدالت اجتماعی مجیز نباشد.

* برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون اجلاس اخیر سازمان ملل می‌توانید به سایت اینترنتی www.crin.org/specialsession مراجعه کنید.

هفته نامه پیوند ، چاپ کانادا ، شماره ۴۰۵